

رسول خدا (ص):

## ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةً\*

یاد کردن علی (ع) عبادت است.

\* مناقب ابن المغازلی ص ۲۰۶. مناقب خوارزمی ص ۲۶۱.

نقش‌سند رسمی در معامله سهم‌الشرکة شرکت با مسئولیت محدود  
(نقدی بزرگ‌مک)

سعید صفیان\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان کالچرل اکیډمی  
پښتونستان کالچرل اکیډمی

مطابق ماده ۹۴ قانون تجارت، شرکت با مسؤولیت محدود، شرکتی است که بین دو یا چند شخص برای امور تجارتي تشکیل شده و هر یک از شرکا بدون این که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد، فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت، مسؤول قروض و تعهدات شرکت خواهد بود. بدین لحاظ شرکت با مسؤولیت محدود آمیخته‌ای است<sup>۱</sup> از شرکت اشخاص و شرکت سرمایه. و به تصریح ماده ۱۰۲ ق. ت سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عدّه از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

در تکمیل حکم مربوط به قسمت اخیر ماده ۱۰۲ ق. ت که در آن رضایت شرکا برای انتقال سهم الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود شرط دانسته شده است، بلافاصله ماده ۱۰۳ ق. ت که موضوع اصلی بحث حاضر را تشکیل می‌دهد چنین مقرر می‌دارد: «انتقال سهم الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی». بنابراین، علاوه بر شرایط عمومی صحت معاملات، موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی و تحصیل رضایت شرکایی که مالک سه چهارم سرمایه شرکت بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند، بر طبق نص صریح ماده ۱۰۳ ق. ت معامله سهم الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود - به عنوان یک عمل حقوقی - وقتی تحقق خواهد یافت که انشای آن در ضمن یک سند رسمی صورت گرفته باشد. به عبارت دیگر، عقدی که موضوع آن انتقال سهم الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود قرار می‌گیرد، یک عقد تشریفات است و توافق دو اراده در صورتی معتبر خواهد بود که به شکل مخصوص و با تشریفات معین (تنظیم سند رسمی) بیان شود. بدین

۱. اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۲۰۰.

جهت توافقی که شکل مخصوص را ندارد، باطل است، هرچند طرفین نیز به آن اقرار کنند. مع الوصف شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان تهران به موجب حکم شماره ۴۷۵ مورخ ۱۳۷۷/۴/۳۱<sup>۱</sup>، در یک تفسیر قضایی و بر خلاف صراحت ماده ۱۰۳ ق.ت. ضمن انکار چنین موضوعی، تنظیم سند رسمی را منحصرأ ناظر به جنبه اثباتی معامله سهم شرکت با مسئولیت محدود دانسته که حقاً مخدوش به نظر می‌رسد:

در قسمتی از حکم شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان تهران که در مقام تأیید دادنامه شماره ۱۷۳۲ مورخ ۱۳۷۵/۸/۱۹ شعبه اول دادگاه عمومی تهران صادر گردیده و محل بحث است، چنین آمده است: «... ثانیاً، بخش دیگر اعتراض [تجدید نظر خواهانها] به این مضمون که شرکت تهران... از نوع با مسئولیت محدود می‌باشد و مطابق ماده ۱۰۳ قانون تجارت نقل و انتقال سهام آن جز با سند رسمی، غیر قانونی و باطل است موجه نمی‌باشد؛ زیرا لزوم ثبت معاملات این گونه سهام<sup>۲</sup> برای اثبات آن در نزد مقام صالحه و محاکم است، نه آنکه عدم ثبت آن موجب بطلان بیع باشد و خریدار نتواند در اجرای ماده ۱۰۳ استنادی الزام فروشنده را به ثبت معامله و انتقال درخواست کند...».

به نظر ما این استدلال صحیح نیست؛ زیرا آنچه مطابق ماده ۱۰۳ ق.ت. و اولاً و بالذات مستلزم تنظیم سند رسمی تلقی شده است، عمل حقوقی انتقال است و این موضوع با شکل انتقال تفاوت دارد. به عبارت دیگر، قانونگذار در مقام تعیین سند رسمی به عنوان دلیل اثبات معامله سهم شرکت با مسئولیت محدود نبوده و بلکه تنظیم سند رسمی را لازمه وقوع معامله و به تعبیری جزء لاینفک آن محسوب کرده است؛ بدین ترتیب با فقد سند رسمی اساساً انتقالی در نفس الامر متصور نخواهد بود تا بحث اثبات

۱. بازگیر، یدالله، موازین حقوق تجارت در آراء دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸.

۲. حقی که شرکت در شرکت با مسئولیت محدود و به طور کلی شرکتهای اشخاص، در ازای آوردن حصه به شرکت دارا می‌شوند، اصطلاحاً «سهم شرکت» نام داشته و اصطلاح «سهام» خاص شرکتهای سهامی است؛ بدین جهت، اطلاق سهام به حق شریک با مسئولیت محدود، مسامحه در تعبیر است.

آن قابل طرح باشد.

بنابراین، آنچه در ماده ۱۰۳ ق. ت مورد توجه و جرح قانونگذار قرار گرفته است، منحصرأً سند معامله سهم‌الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود نبوده و بلکه نسبت به وضعیت مُسند، یعنی خود معامله نیز انشای حکم گردیده است. با توجه به این که نظریه مذکور مدلول مطابق کلام قانونگذار است، بی شک هر تفسیری که با چنین مدلولی مبیانت داشته باشد مردود خواهد بود.

نظریه بالا در تألیفات مربوط به حقوق تجارت نیز تصریحاً و تلویحاً مورد پذیرش واقع شده، به شکلی که می‌توان نسبت به صحت آن ادعای اجماع کرد. برای مثال، دکتر حسن ستوده تهرانی، حکم ماده ۱۰۳ ق. ت را در واقع ادامه تأکید قانونگذار نسبت به ممنوعیت صدور سهم‌الشرکه به شکل اوراق تجارّتی قابل انتقال محسوب داشته که مآلاً حتی با تحصیل رضایت اکثریت شرکا نیز انتقال سهم‌الشرکه تابع تشریفات اسناد رسمی گردیده است.<sup>۱</sup> به اعتقاد مرحوم محمد علی عبادی، در شرکت با مسؤولیت محدود معامله سهم‌الشرکه حتماً باید به موجب سند رسمی باشد و الا انتقال قانونی نخواهد بود.<sup>۲</sup> دکتر حسینقلی کاتبی نیز انتقال سهم‌الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود را به دو شرط منوط دانسته است؛ اول آن که رضایت عدّه از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده جلب شود و دوم آن که انتقال به موجب سند رسمی به عمل آید.<sup>۳</sup>

دکتر ربیعا اسکینی ضمن طرح یک مسأله، مبنی بر این که «آیا قانونگذار که انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسؤولیت محدود را به صورتی که در ماده ۱۰۳ ق. ت آمده مقرر کرده است، خواسته است صحت انتقال را منوط به تنظیم سند رسمی کند؟» در پاسخ، بیان داشته است: «به نظر ما تنظیم سند رسمی انتقال، از شرایط اساسی صحت انتقال است، درست مانند شرایط ماهوی مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی. در واقع ماده ۱۰۳ ق.

۱. ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۵، ص ۲۶۱.

۲. عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸.

۳. کاتبی، دکتر حسینقلی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸، ص

ت انتقال سهم شرکت را محقق نمی‌داند مگر پس از تنظیم سند رسمی. به عبارت دیگر، سند رسمی موجب حق است و نه مثبت حق، به این دلیل، هرگاه سند رسمی انتقال سهم شرکت تنظیم نشده باشد، قرارداد میان انتقال دهنده و منتقل الیه فاقد هرگونه اثری خواهد بود، در نتیجه مانند هر قرارداد مطلقاً باطل، توافق میان طرفین (شریک و منتقل الیه)، نه میان آنها مؤثر است نه نسبت به شرکت. اشخاص ذی نفع هم برای باطل تلقی کردن چنین توافقی نیاز به حکم دادگاه ندارند، بلکه قرارداد انتقال خود به خود باطل است.<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌شود که صراحت ماده ۱۰۳ ق. ت مجال هرگونه اظهار نظر مخالفی را از مؤلفان حقوق تجارت سلب کرده است.<sup>۲</sup>

و اما به نظر می‌رسد علت این که شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان تهران، تنظیم سند رسمی مربوط به معامله سهم شرکت با مسؤولیت محدود را صرفاً ناظر به جنبه اثباتی معامله دانسته و... لزوم تنظیم سند رسمی را نسبت به تحقق اصل معامله نفی کرده است - هرچند که حکم مبحث عنه خالی الاشارة است - قیاس ماده ۱۰۳ قانون تجارت با ماده ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ و قائل شدن به تفسیری است که مطابق آن، تنظیم سند رسمی برای معامله مال غیر منقول مربوط به جنبه اثباتی مسأله بوده و چنانچه سند رسمی هم تنظیم نشده باشد، در صورتی که مثلاً در یک

۱. دکتر اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، ص ۲۴۸ - ۲۴۹.

۲. البته تا آن جایی که بررسی شد، رویه قضایی نیز عمدتاً با آرای مؤلفان حقوق تجارت هماهنگی دارد، برای مثال در یک پرونده شعبه سوم دادگاه حقوقی یک شیراز، قرارداد عادی مربوط به معامله سهم شرکت با مسؤولیت محدود را به لحاظ مغایرت با مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۶ قانون تجارت مردود اعلام کرده و حکم دادگاه مذکور نیز به موجب رأی شماره ۵۲۵ مورخ ۷۳/۱۲/۸ شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور به شرح بین الهلالین:

(اعتراض آقای وکیل تجدید نظر خواه به نحوی نیست که به ارکان و اساس رأی تجدید نظر خواسته خللی وارد آورد و لذا رأی دادگاه توجهاً به محتویات پرونده و رسیدگیهای معموله بلاشکال بوده و نتیجتاً ابرام می‌گردد). استوار گردیده است؛ یدالله بازگیر، موازین حقوق تجارت در آراء دیوان عالی کشور، ص ۱۱۴ - ۱۱۳.

پرونده مدعی علیه اقرار به انجام معامله نماید، حکم به وقوع معامله صادر می‌گردد.<sup>۱</sup> چنین قیاسی قطع نظر از آن که تفسیر مقیس علیه مخالفان صاحب اعتباری هم دارد.<sup>۲</sup> حقا مع الفارق است؛ زیرا آنچه طبق ماده ۴۸ ق. ت مورد جرح قانونگذار قرار نگرفته، سند معامله است و به هر تقدیر، به موجب یک تفسیر معتبر و مورد قبول رویه قضایی، خود معامله مصون از تعرض مانده است، و حال آن که مطابق ماده ۱۰۳ ق. ت، با توجه به معنای متعارف الفاظ، به صراحت، عمل انتقال منوط به تنظیم سند رسمی گردیده و انشای معامله مربوط به سهم الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود، مثلاً در ضمن یک سند عادی کأن لم یکن فرض می‌گردد.

ممکن است با تمسک به اصل صحت و این که متکای آن اصل مبنایی حاکمیت اراده در اعمال حقوقی است، این ایراد مطرح گردد که تفسیری که لزوم تنظیم سند رسمی برای معامله سهم الشرکه شرکت با مسؤولیت محدود را به جنبه اثباتی معامله ناظر می‌داند، قابل دفاع است، لیکن می‌توان گفت اصل صحت در مواردی جاری است که دلیل قانونی در تضاد با آن قرار نگرفته باشد و حال آن که در هر دو جهت موضوعی و حکمی، به سهولت خلاف اصل مذکور اثبات می‌شود. چه، آن که مطابق فرض مسأله، معامله سهم الشرکه بدون تنظیم سند رسمی مفروع عنه است (جهت موضوعی) و به علاوه وجود نص قانونی بر بطلان چنین معامله‌ای حقا قابل احراز می‌باشد (جهت حکمی). بدین لحاظ، تمسک به اصل صحت برای توجیه نظریه مندرج در حکم شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان تهران بدون شک مردود خواهد بود؛ خاصه آن که مقررات قانون تجارت کلیتاً جزء قواعد امره بوده و عدول از آن، حداقل بدون رعایت یک تکنیک تفسیری مناسب عرفی جایز نیست.

در خاتمه، شایان ذکر است که حکم ماده ۱۰۳ ق. ت ناظر به حالتی است که انشای

---

۱. شهیدی، دکتر مهدی، فروش مال غیر منقول بدون تنظیم سند رسمی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲ - ۱۱، ص ۹ به بعد.  
۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، ماهیت و آثار قولنامه، مجله کانون وکلاء دادگستری، شماره ۱۵۱ - ۱۵۰، ص ۲۲۹ به بعد.

معامله سهم شرکت مستقیماً مورد قصد شریک و طرف معامله قرار گرفته باشد ولیکن در صورتی که طرفین معامله به طور مستقیم قصد انتقال سهم شرکت را نداشته و بلکه مراد آنها صرفاً تعهد به معامله باشد، انعکاس چنین تعهدی در ضمن یک سند عادی بلامانع و مستند به ماده ۱۰ قانون مدنی لازم الاتباع خواهد بود.<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

۱. قضات محاکم می‌توانند با اختیاری که در تفسیر اراده متعاملین دارند، با توجه به اوراق و محتویات پرونده و کیفیات منعکس در آن، قرارداد موضوع معامله سهم شرکت با مسؤولیت محدود را به تعهد به انتقال تعبیر و در نتیجه، متعهد (شریک) را به انتقال سهم شرکت ملزم نمایند. در چنین صورتی ضمن رعایت عدالت معاوضی نصوص قانونی نیز مصون از تعرض خواهد ماند.